

سطوح امر به معروف، نهی از منکر از دیدگاه صحیفه سجادیه

فاطمه نوری^۱

چکیده

دعا به عنوان یک اصل در دین مبین اسلام دارای اهمیت ویژه‌ای است به طوری که در قرآن کریم هم دعوت به دعا و مناجات با حق تعالی دیده می‌شود. دعا مخصوص هیچ یک از ائمه نیست؛ اما در زندگی امام سجاد علیه السلام نقش برجسته‌تری دارد. در دوران امام در میان مردم مکه و مدینه انحطاط اخلاقی، رواج فسق، فجور وجود داشت؛ اما چون در حالت تقیه بودند، برای انجام رسالت خود اخلاق و فقه اسلامی را به صورت دعا مطرح می‌کردند تا جلوی گسترش مفاسد اخلاقی گرفته شود. یکی از راه‌های جلوگیری از فساد امر به معروف و نهی از منکر است، که در دعای امام سجاد علیه السلام به چشم می‌خورد. ایشان برای هر یک از سطوح جامعه چه عام چه خاص تکالیفی را در نظر گرفتند. پژوهشگر در این نوشته قصد دارد به سطوح امر به معروف و نهی از منکر بپردازد. نتیجه اینکه امام سجاد علیه السلام برای سطوح عام (شامل همه مسلمانان) مبارزه با منکراتی مانند: ظلم، فقر... و ترویج معروفاتی مانند: احترام به اصل انسانیت، خوش اخلاقی، رفق و مدارا، سخاوت و بخشش، وفای به عهد، صداقت، تواضع و فروتنی را در نظر گرفتند. برای سطوح خاص (شامل علماء) مبارزه با منکراتی مانند مبارزه با بدعت‌گذاری در دین و ترویج معروفاتی مانند: ایستادن در برابر دشمنان، جهاد علمی و اجتماعی، عدالت گستری در جامعه را در نظر گرفتند که بر همه واجب است، طبق وظیفه خود عمل کنند. امام در دوران تقیه از هر ابزاری برای ادای رسالت خود استفاده کردند، ایشان با در نظر گرفتن ویژگی هر یک از سطوح جامعه منکرات و معروفاتی را به عنوان واجبات مطرح کردند که هر یک مسلمانان باید به آن عمل کنند. این مقاله، به روش نقلی و حیانی و پردازش مطالب به صورت توصیفی-تحلیلی با ابزار کتابخانه‌ای صورت گرفته است. این مسأله در علوم مختلف ریشه دارد و ما از نظر تفسیر صحیفه سجادیه، علم حدیث و... بررسی خواهیم کرد.

واژگان کلیدی: امر به معروف، نهی از منکر، صحیفه سجادیه.

۱. طلبه سطح ۲، پایه پنجم، حوزه کوثر استان قزوین، شماره تماس: ۰۹۲۲۳۶۷۷۱۴۰.

مقدمه

یکی از راه‌های اجراء کردن آموزه‌های اسلامی در جامعه، تقویت روحیه احساس مسئولیت و تعهد اجتماعی است. اگر این احساس مسئولیت نباشد، جامعه به یک جامعه مرده تبدیل می‌شود. هرگونه بی‌تفاوتی نسبت به منکرات جامعه زمینه تسلط شیاطین و فرهنگ ضد اسلامی را برای یک جامعه فراهم می‌کند. به همین دلیل بود که امام حسین علیه السلام جان، مال و فرزندان خود را برای اجرایی شدن ارزش‌های اسلامی با عنوان امر به معروف و نهی از منکر دادند. در فقه اسلامی امر به معروف و نهی از منکر جزء تعهدات اجتماعی و به عنوان یکی از والاترین فرائض که عمل به آن واجب و جزء تکالیف دینی و اجرایی آن یعنی برپایی حدود الهی. امام سجاد علیه السلام هم به عنوان یکی از پیروان و ادامه دهنده راه امام حسین علیه السلام از ابزار دعا برای احیای امر به معروف و نهی از منکر استفاده کردند. ایشان به عنوان یکی از علماء زمان خود نشان دادند که عموم مردم و علماء و بزرگان هر کدام وظایف مخصوص به خود در قبال منکرات و ترویج معروفات دارند، که لازم است با وظایف خود آشنا شوند تا جامعه اسلامی به دست نا اهلان نیافتد. با این تعاریف اکنون این پرسش مطرح می‌شود که سطوح امر به معروف و نهی از منکر در صحیفه سجاده چیست؟

تاکنون پژوهش‌های زیادی در این زمینه انجام شده از جمله: امر به معروف و نهی از منکر در آیین قرآن کریم نوشته محمد عابدی که در سال ۱۳۹۳ به چاپ رسیده است. در این کتاب به بررسی ابعاد، اهمیت، کیفیت و شرایط اجرای فریضه در سطح جامعه اسلامی بر اساس آموزه‌های قرآن کریم پرداخته است. سید محمد صادق روحانی کتابی تحت عنوان جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در فقه شیعه را به چاپ رساندند. در این کتاب با استناد به منابع مهم روایی و فقه امام صادق علیه السلام به بحث درباره وجوب، شرایط امر به معروف و نهی از منکر در فرهنگ شیعی پرداختند. فصل ششم کتاب حماسه حسینی اثر شهید مطهری به طور کلی اصل امر به معروف و نهی از منکر بیان شده و در خلال آن هم برخی از مسائل اجتماعی و سیاسی نیز مطرح کرده است. علی ابراهیمی فرسنگی در سال ۱۳۹۴ کتاب جهاد- امر به معروف و نهی از منکر: برگرفته از آیات و روایات قرآن کریم، نهج البلاغه، صحیفه سجاده مطالبی را درباره امر به معروف و نهی از منکر بیان کرده، ولی سطوح آن را بیان نکرده است. مقاله ارزیابی نقش ادعیه امام سجاد علیه السلام در پایداری نهضت عاشورا نوشته جعفر علون آبادی ۱۳ شهریور ۱۳۹۸ به ارزیابی نقش صحیفه در پایداری نهضت عاشورا را بیان کرده و از بیان سطوح عام و خاص امر به معروف و نهی از منکر

خودداری کرده است. پژوهشگر قصد دارد در این نوشته به بررسی سطوح امر به معروف و نهی از منکر که به سطوح عام شامل همهٔ مسلمانان و سطوح خاص شامل علماء می‌شود، بپردازد.

مفهوم شناسی

چهار واژه «امر، نهی، معروف، منکر» واژگان اصلی‌اند.

«کار» و «چیز»: جمع آن «امور» است، دستور، فرمان و برانگیختن: جمع آن اوامر است و فعل و صفت از آن مشتق می‌شود، مشهور از امر در «امر به معروف» معنای دوم یعنی فرمان به معروف است.

نهی: این واژه به معنای بازداری است، در آیات متعددی به معنای منع و باز داشتن به کار رفته است.^۱

معروف: به معنای شناخته شده است و ریشه آن عرف است. راغب اصفهانی می‌نویسد:

«معرفت و عرفان، شناخت چیزی از روی اندیشه و تدبیر به واسطه اثر آن است. هر کاری که خوبی آن با عقل یا دین شناخته شود، معروف نام دارد و منکر چیزی است که با عقل یا شرع، انکار و تقبیح شود.»

راغب درباره منکر می‌نویسد:

«منکر هر کاری است که عقل‌های سالم به زشتی آن حکم کنند یا در زشتی و خوبی آن متوقف بمانند، ولی شرع به زشتی آن حکم صادر کند.»

حاصل این که معروف هر کاری است که عقل یا دین آن را خوب بشناسند و منکر هر کاری است که عقل یا دین آن را خوب نشناسند.^۲

۱. تعریف امر به معروف، نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر از احکام عملی مسلمانان و به نظر شیعیان از فروع دین اسلام است. امر به معروف یعنی دستور دادن یا توصیه کردن از سوی فرد مسلمان به دیگران به انجام

۱. عابدی، امر به معروف و نهی از منکر در آئینه قرآن، ص ۲۰.

۲. همان، ص ۲۱.

آنچه از نظر عقل یا شرع اسلام خوب در نظر گرفته می‌شود و نهی از منکر یعنی دستور دادن یا توصیه کردن از سوی فرد مسلمان به دیگران به انجام ندادن آنچه به از نظر عقل یا شرع اسلام بد در نظر گرفته می‌شود.^۱

در احکام دین، به تمام واجبات و مستحبات معروف و به تمام محرمات و مکروهات منکر گفته می‌شود بنابراین واداشتن افراد جامعه به انجام کارهای واجب و مستحب امر به معروف و بازداشتن آن‌ها از کارهای حرام و مکروه نهی از منکر است. امر به معروف و نهی از منکر، واجب کفایی است.^۲ که اگر افرادی - به قدر کفایت - به انجام آن اقدام کنند، از دیگران ساقط می‌شود؛ و اگر همه افراد آن را ترک کرده باشند، چنانچه شرایط آن موجود باشد، همه آن‌ها ترک واجب کرده‌اند.^۳

۲. امر به معروف، نهی از منکر خاص و عام

امر به معروف عام آنست که هر کس از آحاد ملت مرتکب گناهی شود یا یکی از تکالیف واجب را ترک کند که این نیز گناه است بر هر شخص مطلعی واجب است وی را از ارتکاب گناه نهی کند. همه مردم چنین حقی را دارند و می‌توانند هر کس را در هر مقامی امر و نهی کنند.

امر به معروف خاص به این معنی است که باید گروه ویژه‌ای در همه اجتماعات این وظیفه را عهده‌دار باشند و آن در مسائلی است که نیاز به علم و آگاهی دارد. این قسم از امر و نهی نسبت به برخی از مسائل مخصوص گروه دانشمندان آگاه و راستین و بی‌غرض و خیرخواه امت می‌باشد.^۴

امر به معروف، نهی از منکر در کلام امام سجاد (علیه السلام)

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَوَقِّفْنَا فِي يَوْمِنَا هَذَا وَ لَيْلَتِنَا هَذِهِ وَ فِي جَمِيعِ أَيَّامِنَا لِاسْتِعْمَالِ الْخَيْرِ، وَهِجْرَانِ الشَّرِّ، وَشُكْرِ النِّعَمِ، وَاتِّبَاعِ السُّنَنِ، وَمُجَانَبَةِ الْبِدْعِ، وَالأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ، وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَحِیَاطَةِ الْإِسْلَامِ، وَانْتِقَاصِ الْبَاطِلِ وَ إِذْثَالِهِ، وَ نُصْرَةِ الْحَقِّ وَ إِعْزَازِهِ، وَ إِرْشَادِ الضَّالِّ، وَ مُعَاوَنَةِ الضَّعِيفِ، وَ إِذْرَاقِ اللَّهْفِ خَدَايَا! بِرِ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ دُرُودِ فَرَسْت وَ مَا رَا دُرِ اَیْنِ رُوز وَ

۱. صافی گلپایگانی، امر به معروف و نهی از منکر، ص ۱۴.

۲. سیستانی، احکام امر به معروف و نهی از منکر، ص ۱۵.

۳. همان.

۴. احمدی، مبانی حقوق اسلام، ص ۲۸۲.

شیمان و در همه روزگاران برای این امور موفق بدار: به کارگیری خیر و دوری از شرّ و شکر نعمت‌ها و پیروی از روش‌های نیک و دوری از نوآوری‌های ضد اسلام و امر به معروف و نهی از منکر و پاسداری اسلام و کم کردن و خوار ساختن باطل و یاری و گرامی داشت حق و راهنمایی گمراه و کمک کردن به ناتوان و پناه دادن به اندوهگین و ناراحت.^۱

حضرت علی بن حسین علیه السلام نیز در روایتی می‌فرماید:

«کسی که امر به معروف و نهی از منکر را ترک کند همانند کسی است که قرآن را کنار نهاده و به آن پشت کرده باشد، مگر اینکه در حال تقیه باشد و بعد در تعریف تقیه فرمودند: تقیه آن است که به خاطر تجاوز و طغیان ستمگر عنودی از او بترسی.»^۲

امام سجّاد علیه السلام درباره امر به معروف و نهی از منکر می‌فرماید:

«کسی که امر به معروف و نهی از منکر را ترک کند، همانند کسی است که قرآن را کنار نهاده و پشت به آن کرده باشد، مگر کسی که در حال تقیه باشد. پرسیدند: «تقیّه» چیست؟ فرمودند آن است که انسان از ستمگر ستیزه‌گری به دلیل تجاوز یا ستمگری‌اش بترسد.»^۳

الف: سطوح عام امر به معروف ، نهی از منکر از دیدگاه صحیفه سجّادیه

اسلام از پیروان خود می‌خواهد که خود را در برابر جامعه متعهد بدانند و در صورت مشاهده ستم و گناه سکوت نکنند، بلکه همواره دیگران را به خوبی‌ها امر کنند و از بدی‌ها باز دارند. در صحیفه سجّادیه منکرات و معروفاتی بیان شده که بر همه مسلمانان واجب است، به آن عمل کنند عبارتند از:

۱. مبارزه با منکر

اوّل: مبارزه با ظلم

تصور بیشتر افراد از امام سجّاد علیه السلام فردی است که فقط به گوشه‌نشینی مشغول بوده؛ اما این فقط یک بعد از زندگی ایشان است. امام با زبان دعا سعی در از بین بردن جور و ستم جامعه

۱. امام سجّاد علیه السلام، صحیفه سجّادیه، دعای ۶، فراز ۱۸.

۲. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۵، ص ۱۶۵.

۳. نعمانی، کتاب الغیبه، ص ۳۵.

بدکار و پناهگاه آن که سود خویش را از دست داده و پناهنده شده درگاه توست، پس چه بسا دشمنی که شمشیر دشمنیش را بر من برهنه نموده، و دم تیغش را علیه من تیز کرده، و سر نیزه‌اش را به قصد حمله بر من تند ساخته، و زهرهای کشنده‌اش را به آشامیدنم آمیخته، و مرا آماج تیرهای خود نموده، و دیده مراقبتش از من نخفته، و تصمیم گرفته که به من زبانی رساند، و از آب ناگوار و تلخش به من بچشانند.^۱

«نَظَرْتُ- يَا إِلَهِي- إِلَى ضَعْفِي عَنِ احْتِمَالِ الْفَوَاحِشِ، وَ عَجْزِي عَنِ الْإِنْتِصَارِ مِمَّنْ قَصَدَنِي بِمُحَارَبَتِهِ، وَ وَحْدَتِي فِي كَثِيرِ عَدَدٍ مِّنْ نَّوَانِي، وَ أَرُصَدَ لِي بِالْبَلَاءِ فِيمَا لَمْ أُعْمَلْ فِيهِ فِكْرِي. فَأَبْتَدَأْتُ بِنَصْرِكَ، وَ شَدَدْتُ أَرْزِي بِقُوَّتِكَ، ثُمَّ فَلَلْتُ لِي حَدَّهُ، وَ صَيَّرْتُهُ مِنْ بَعْدِ جَمْعٍ عَدِيدٍ وَحْدَهُ، وَ أَغْلَيْتُ كَغَبِي عَلَيْهِ، وَ جَعَلْتُ مَا سَدَّدَهُ مَرْدُوداً عَلَيْهِ، فَرَدَدْتُهُ لَمْ يَشْفِ غَيْظُهُ، وَ لَمْ يَسْكُنْ غَلِيلُهُ، قَدْ غَضَّ عَلَى شَوَاهٍ وَ أَذْبَرَ مُوَلِّياً قَدْ أَخْلَفْتُ سَرَايَاهُ. وَ كَمْ مِنْ بَاغٍ بَغَانِي بِمَكَائِدِهِ، وَ نَصَبَ لِي شَرَكَ مَصَائِدِهِ، وَ وَكَلَّ بِي تَفَقَّدَ رِعَايَتِهِ، وَ أَضْبَأَ إِلَيَّ إِضْبَاءَ السَّيِّعِ لَطْرِيدَتِهِ أَنْتِظَاراً لِانْتِهَازِ الْفُرْصَةِ لِفَرَسَتِهِ، وَ هُوَ يُظْهِرُ لِي بِشَاشَةِ الْمَلَقِ، وَ يَنْظُرُنِي عَلَى شِدَّةِ الْحَقِّ؛

ولی تو ای خدای من ناتوانی و ضعفم را از تحمل بارهای گران و عجزم را از انتقام گرفتن از آن که قصد کارزار من کرده، و تنهایی مرا در برابر بسیاری عده کسانی که با من دشمنی نموده، و در حال بی خبری من در کمین گرفتار کردن من نشسته‌اند در نظر گرفتی، پس به نصرتم آغاز کردی، و پشتم را به قدرتت محکم نمودی، آنگاه جدت او را شکستی، و پس از آنکه در جمع کشیری بود وی را تنها گذاشتی، و مرا بر او پیروز نمودی، و تیری را که به سوی من نشانه گرفته بود به سوی خودش بازگرداندی، و بدون اینکه خشمش تسکین یابد، و آتش کینه‌اش فرو نشیند، او را بازگرداندی، تا سر انگشتان خود را به دندان گزید، و رخ برتافت در حالی که لشکرش از هم پاشید و چه بسا متجاوزی که با حيله‌های خود درباره‌ام ستم کرده، و دامهای شکارش را برایم پهن کرده، و همت خود را بر زیر نظر داشتن من گماشته، و چون درنده‌ای که به انتظار به دست آوردن فرصت برای شکارش کمین نماید در کمین من نشسته، در حالی که خوشرویی چاپلوسی را برایم اظهار می‌کرد، و با شدت خشم مرا می‌پایید.^۲

امام سجاد علیه السلام رهایی از دشمن و بی‌اثر شدن شمشیر دشمن و پیروزی بر او را یاری خدا و به قدرت خدا می‌داند. هر کس در سایه لطف و حمایت پرودگار پناه گیرد، ستم نمی‌بیند. بدکاری بنده، مانع احسان خدا به او نمی‌شود. خدا درباره کاری که انجام می‌دهد، بازخواست نمی‌شود.

۱. امام سجاد علیه السلام، صحیفه سجادیه، دعای ۴۹.

۲. همان.

دوم: جهاد علمی و اجتماعی

از مهمترین اهداف مردان الهی، اصلاح جامعه انسانی از طریق تربیت آن بر طبق آموزه‌های الهی است. یک شخصیت مصلح به ناچار مراحل از فعالیت‌های جدی را باید پشت سر بگذارد و حرکت در این راه پر خس و خاشاک را ادامه دهد. این مراحل عبارت‌اند از:

۱ - انسان مصلح باید یک نسل با ایمان را بر طبق آموزه‌های حقی که از سوی خداوند آورده و بر طبق اخلاق ارزشمندی که خود بدان آراسته شده است، تربیت کند، تا آنها وی را در انجام کارهای نیک یاری دهند.

«وَأَمَرْتُ بِامْتِثَالِ أَوْامِرِهِ وَالْإِنْتِهَاءِ عِنْدَ نَهْيِهِ؛ و به فرمان بری فرمان‌هایش و باز ایستادن از نهی و بازداشتنش، فرمان داده‌ای.»^۱

۲ - وارد جامعه شود - با تمامی سنگینی که این کار دارد - و در میان مردم حضور به هم رساند و با ظالمان و ستمگران به وسیله آموزه‌های خویش رو به رو گردد و پیام‌های خدا را به آنها برساند. حضرت امام علی علیه السلام می‌فرمایند:

«فَأَمَّا حَقُّكُمْ عَلَيَّ فَالْنَّصِيحَةُ لَكُمْ؛ حق شما بر من آن است که از خیرخواهی شما دریغ نورزم.»^۲

۳ - با فساد مبارزه کند که ستمگران آن را در جامعه با این هدف گسترش می‌دهند که رشته‌های یگانگی آن را از هم بگسلند، نیروهایش را فلج کنند، از معنویات تهی‌اش سازند و از سرشت سالمش که بر حق و نیکی و زیبایی تکیه دارد، دورش نمایند تا مبدا آنان از جامعه، ابزار فرمانبرداری بسازند که هر گونه می‌خواهند و اراده می‌کنند، آن را به کار گیرند. امام سجاد علیه السلام می‌فرماید:

«وَأَقِمْ بِهِ كِتَابَكَ وَحُدُودَكَ وَشَرَائِعَكَ وَسُنَنَ رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ اللَّهُمَّ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآخِي بِهِ مَا أَمَاتَهُ الظَّالِمُونَ مِنْ مَعَالِمِ دِينِكَ، وَاجْلُ بِهِ صَدَاءَ الْجَوْرِ عَنْ طَرِيقَتِكَ؛ و کتاب و حدود و شرایعت و سنت‌های رسولت را - که صلوات بر او و آلش باد - به وسیله او بر پادار، و آنچه از

۱. امام سجاد علیه السلام، صحیفه سجادیه، دعای ۴۷، فراز ۶۱.

۲. حق شناس، اخلاق اجتماعی در صحیفه سجادیه، ص ۱۲۲.

علائم آئینت را که اهل تجاوز می‌راندند به وسیله او زنده کن، و از برکت وجودش زنگار ستم از طریقت خود پاک فرما.^۱

امام زین العابدین علیه السلام فعالیت گسترده‌ای در هر کدام از این زمینه‌ها داشت تا آن جا که به حق و شایستگی از بهترین مصلحان الهی به شمار می‌رفت و این، در حالی بود که در دوران آن بزرگوار، ستمگران بنی امیه به نام خلافت اسلامی بر امت و سرنوشت آنان حکومت می‌کردند و هر کس که به مخالفت با این حکومت برمی‌خاست، او را می‌کشتند و خونش را به عنوان فردی که بر ضد اسلام شورش کرده است، مباح اعلام می‌کردند.^۲

سوم: عدالت گستری در جامعه

یکی از وظایف حاکم در برابر مردم، اجرای عدالت در جامعه است. از آنجا که قدرت در اختیار حاکم است، باید بکوشد این قدرت را تا حد امکان در راه گسترش عدالت عملی سازد. این آرمان، در حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) تحقق کامل می‌یابد و امام سجاد علیه السلام در این باره می‌فرماید:

«اَللّٰهُمَّ ... اَمِّتْ بِهِ الْجَوْرَ وَ اَظْهَرْ بِهِ الْعَدْلَ؛ خدایا! به وسیله امام زمان (عج)، ستم را نابود ساز و عدل را آشکار کن.»

گسترش عدالت در جامعه در پی تقویت شدن ویژگی شرح صدر و ظرفیت روحی بالای حاکم امکان پذیر است تا حاکم بتواند با جور در جامعه مقابله کند و تحت تأثیر خواسته‌های نابجای افراد قرار نگیرد.^۳

نتیجه

امام سجاد علیه السلام در دوران خفقان برای اصلاح انحطاط اخلاقی جامعه به دعا روی آورده بودند، به گونه‌ای رفتار می‌کردند که دیگران از رفتار ایشان ناراحت نشوند. امام در دعای ششم فراز هجدهم به طور صریح لفظ امر به معروف و نهی از منکر را بکار برده‌اند. از این دعا می‌توان فهمید

۱. امام سجاد علیه السلام، صحیفه سجادیه، دعای ۴۷، فراز ۶۲.

۲. حسینی جلالی، جهاد امام سجاد علیه السلام، ص ۱۳۳.

۳. حق شناس، اخلاق اجتماعی در صحیفه سجادیه، ص ۱۲۶.

که امر به معروف و نهی از منکر بر همه به صورت عام و بر علماء و فقها به صورت خاص واجب است.

۱. سطوح عام جامعه وظیفه دارند، با منکراتی مانند: ظلم و فقر که سرچشمه بسیاری از ناهنجاری اجتماعی است، مبارزه کنند.
۲. از دیگر وظایف سطوح عام جامعه تشویق به معروفاتی مانند: احترام به اصل انسانیت که در قرآن از آن به عنوان کرامت یاد کرده است.
۳. خوش اخلاقی و نرم‌خویی حامل پیامدهای بسیار گسترده‌ای در جامعه است که هر یک از این پیامدها می‌تواند بسیاری از درگیری‌های اجتماعی را کاهش دهد.
۴. مردان و زنان مسلمان می‌توانند با وفای به عهد، صداقت در گفتار و رفتار، تواضع و فروتنی در مقابل یکدیگر و تشویق دیگران به این امر به سلامت یک جامعه اسلامی کمک کنند تا جامعه اسلامی الگویی برای دیگر جوامع باشد.
۵. سطوح عام که شامل علماء و افراد حکومتی است، وظیفه دارند مردم را تشویق به ایستادن در برابر دشمنان کنند تا مؤمنان از گزند بدخواهان در امان بمانند.
۶. امام سجاد علیه السلام در دوران خود جزء خواص جامعه به شمار می‌رفت با جهاد علمی و اجتماعی تبیین عدالت گستری در جامعه آن دوران الگویی برای علماء و سرمداران حکومت اسلامی تشریح کرد.

کلام آخر اینکه ما نباید نسبت به دعاها و پیام‌های صحیفه سجادیه بی‌تفاوت باشیم، باید با مطالعه و پژوهش این کتاب بپردازیم تا از معارف معنوی آن بهره کافی ببریم.

فهرست منابع و مآخذ

- قرآن کریم ابوالفضل بهرام پور
- صحیفه سجادیه: امام سجاد علیه السلام

منبع عربی

۱. بغدادی، محمد بن سعد، الطبقات الکبری، محمود مهدوی دامغانی، اول، فرهنگ و اندیشه،

؛۱۳۷۴

۲. علی بن الحسین، صحیفه کامل سجادیه، مترجم: حسین انصاریان، پیام آزادی، بیست و هفتم، ۱۳۸۹؛

۳. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ج ۷۸، دارالکتب الاسلامی، ۱۳۱۵ق؛

۴. موسوی عاملی، شرف الدین، المراجعات، ج اول، لبنان، مجمع جهانی اهل البيت، ۱۳۵۵ق؛

۵. نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبه، محمد جواد غفاری، بی جا، بی تا، ۳۴۲ق؛

منابع فارسی

۶. احمدی، علی محمد، صداقت در گستره سیاست، دوم، جوان، ۱۳۸۲؛

۷. اسفندیاری، اسماعیل، فقر و انحرافات اجتماعی، ۱۳۸۲، شماره ۲۱؛

۸. حسینی جلالی، محمدرضا، جهاد امام سجاد علیه السلام، پژوهش های اسلامی، خراسان رضوی، سوم، ۱۳۹۳؛

۹. حسینی، غلامحسین، پیامبر مدارا وقاطعیت، دوم، کتاب نقد، ۱۳۷۲؛

۱۰. حقیقت خواه، وفای به عهد و پیمان در قاموس قرآن، مجله طبوبی، شماره ۶، ۱۳۸۵؛

۱۱. حوزه، تواضع و فروتنی، شماره ۶، ۱۳۷۳؛

۱۲. سید علی احمدی، علیرضا، مبانی اصول اسلامی، تولید دانش، تهران، اول، ۱۳۸۳؛

۱۳. سیستانی، سید علی، توضیح المسائل، ج اول، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۹۷؛

۱۴. صادق پور، طیبه، کرامت انسان در قرآن، شماره ۵۳، ۱۳۸۶؛

۱۵. صافی گلپایگانی، کتاب راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۹۰؛

۱۶. صالح غفاری، محمد علی، گلگشت معرفت، محمد عمادی پور، تابان، تهران، اول، ۱۳۸۵؛

۱۷. عابدی، محمد، امر به معروف و نهی از منکر در آیینه قرآن، معروف، مرکز تحقیقات رایانه ای، قائمیه اصفهان، بی تا؛

۱۸. مروتی، سهراب، مبانی نظری حسن خلق در قرآن و حدیث، شماره ۱۵، ۱۳۹۳؛